



راه‌های بیان التزام و کاربردهای صورت‌های التزامی در زبان فارسی

جلال رحیمیان^{*۱}

علیرضا خرمائی^۲

چکیده

از میان صورت‌های غیراخباری فعل، یعنی امری، التزامی و دعائی، به‌نظر می‌رسد که صورت التزامی از پربسامدترین کاربردها را داشته باشد. به‌ویژه که صورت مزبور نقش قابل توجهی در بیان مفاهیم وجهی در فارسی دارد و از رابطه‌ای تنگاتنگ با مفهوم نمود بهره‌مند است. در این تحقیق، دو هدف عمده و مرتبط با هم دنبال شده است: نخست، شیوه‌های بیان مفاهیم التزامی در زبان فارسی که بسیاری از آنها به کاربردهای وجهی معروفند و دوم، کاربردهای گوناگون صورت‌های التزامی که بخشی از آنها غیروجهی است. براساس یافته‌های تحقیق، در زبان فارسی دست‌کم شش شیوه برای بیان مفاهیم وجهی در فارسی وجود دارد که در همگی آنها صورت‌های التزامی فعل ایفای نقش می‌کنند. در صورت‌های التزامی نیز پانزده کاربرد قابل مشاهده است که به دو دسته کاربردهای سرنمونی و غیرسرنمونی قابل تقسیم هستند. وجه مشترک تمامی کاربردهای پانزده‌گانه، معنای طرح‌واره‌ای عدم قطعیت است که در صورت التزامی وجود دارد. معنای صورت التزامی به‌صورت یک شبکه عمل می‌کند که در آن، یک معنای سرنمونی در مرکز قرار دارد و مابقی معانی غیرسرنمونی هستند و به نوعی از این معنای سرنمونی مشتق شده‌اند که به‌عنوان یک مقوله شعاعی عمل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: وجه التزامی، صورت، کاربردها، چند معنایی، معنای سرنمونی

✉ | jrahimian@rose.shirazu.ac.ir

۱- استاد زبان‌شناسی، بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

✉ | khoalireza@gmail.com

۲- دانشیار زبان‌شناسی، بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز

۱- مقدمه

در حوزه مطالعات دستوری سه مفهوم «زمان»، «نمود» و «وجه» همواره ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. هر کدام از این سه مفهوم، صورتی دارد و معنایی. جنبه صوری زمان را «زمان دستوری» و جنبه معنایی آن را «زمان منطقی/تقویمی» می‌نامند. هرگاه منظور از «نمود»، جنبه صوری آن باشد، می‌توان از اصطلاح «نمود صوری» استفاده کرد و هر زمان که جنبه معنایی مد نظر باشد، «نمود» اصطلاح مناسبی است. «وجه» نیز گاهی به صورت فعل اشاره دارد که از همین اصطلاح برای اشاره به آن استفاده می‌شود. اما اگر جنبه معنایی وجه مدنظر باشد، از اصطلاح «وجهیت» استفاده می‌کنیم. از آنجا که در زبان فارسی، سه مفهوم فوق ارتباط مستقیمی با مفهوم التزام و کاربردهای التزامی دارند، از هر کدام از این مفاهیم در حد ضرورت استفاده خواهد شد.

در هر زبان، ممکن است صورت خاصی از فعل، یا آن‌چنان که پس از این خواهیم گفت، «وجه» خاصی از فعل برای بیان مفاهیم متعددی به کار رود؛ همچنین، گاهی یک مفهوم واحد با استفاده از صورت‌های زبانی گوناگون، بیان می‌شود. در زبان فارسی «فعل التزامی» یکی از صورت‌های به نسبت پرکاربرد است که طی این تحقیق بدان پرداخته خواهد شد. نگارنده در تحقیق حاضر دو هدف مرتبط با یکدیگر را دنبال می‌کند: نخست، بررسی و تحلیل شیوه‌های بیان مفاهیم التزامی و دوم، کشف و تحلیل کاربردهای گوناگون صورت التزامی در زبان فارسی است.

۲- پیشینه پژوهش

در بخش عظیمی از پیشینه‌ی پژوهشی، صورت التزامی و مفهوم آن در سایه وجه و مفهوم وجهیت مورد مطالعه قرار گرفته است و این خود تأییدی بر ادعای نگارنده مبنی بر وجود ارتباط تنگاتنگ میان وجهیت و التزام است. عموزاده و رضائی (۱۳۹۱)، بهره‌گیری از زمان دستوری را به منظور بیان وجهیت در زبان فارسی مورد تحلیل قرار داده‌اند که خود راهی برای انعکاس نگرش گوینده به محتوای محمول است. آنها در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که ساختارهای زمانی در قالب‌های گوناگونی از جمله «شرطی، انعکاس اشاره‌ای و ساختاری تمنائی و التزامی به‌طور فعال در انتقال مفاهیم وجهی نقش دارند» (همان، ۵۳). آنها همچنین از نقش عواملی دیگری چون بافت و کاربرد در شکل‌گیری کارکردهای وجهی زمان دستوری غافل نبوده‌اند. تحقیق عموزاده و رضائی نشان می‌دهد که مفهوم التزام ارتباطی تنگاتنگ با مفاهیمی از قبیل بافت کلام، زمان دستوری و منطقی رخداد و همچنین با پیش‌انگاره‌های معنایی منظوری دارد.

رحیمیان و عموزاده (۱۳۹۲) افعال وجهی فارسی و شیوه بیان مفاهیم وجهی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. آنها طی تحقیق خود به شیوه‌ای علمی و مناسب به نقش افعال فارسی در بیان انواع و درجات وجهیت در فارسی پرداخته و یافته‌های تازه‌ای در این باب داشته‌اند. با نگاهی دقیق به پژوهش مزبور می‌توان دریافت که در بسیاری از کاربردهای عناصر وجهی، وجه التزامی نقشی پررنگ در بیان مفاهیم مورد نظر دارد.

کریمی دوستان و ایلخانی‌پور (۱۳۹۱) با پذیرش تعریف و طبقه‌بندی وجهیت توسط پورتنر (۲۰۰۹) و با دست‌مایه قرار دادن سه جنبه معنایی نیروی وجه، پایه وجه و منبع ترتیب، و با معرفی دو عنصر اسم وجهی و صفت وجهی به پیشینه پژوهشی، به تهیه الگوی مناسبی برای مطالعه وجهیت و عناصر وجهی در زبان فارسی همت‌گماشته‌اند. آنها وجهیت را پدیده‌ای زبانی می‌انگارند که در سطح گفتمان، جمله و سازه قابل بیان و در سطح واج‌شناختی، ساختواژی، نحوی، معنایی و کاربردشناختی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. آنها استفاده از دو عنصر بنام «اسم وجهی» و «صفت وجهی» را برای نظام‌مند ساختن مطالعات وجهی لازم می‌دانند. البته آنچه آنها به‌عنوان اسم وجهی و صفت وجهی معرفی کرده‌اند در حقیقت به ترتیب ترکیبی از «اسم+داشتن» و «صفت+بودن» است که در برخی از مطالعات وجهی پیشین به‌نوعی به‌عنوان عناصر بیانگر وجهیت مد نظر بوده‌اند (رک. عموزاده و توانگر، ۲۰۰۹).

رحیمیان و واحدی (۲۰۱۰) به تحلیل معنایی-منظوری افعال وجهی فارسی برپایه الگوی روابط منطقی و قلمرو گزاره‌ای پاپراگو (۱۹۹۸ و ۲۰۰۰) پرداخته‌اند. از مهمترین یافته‌های آنها این است که دو فعل وجهی «شدن» و «توانستن» بیانگر روابط منطقی و هماهنگ با قلمروهای گزاره‌ای گوناگون هستند در حالی که «می‌شود»، «می‌شد» و «می‌شده» از نظر قلمرو گزاره‌ای نامشخصند. «توان» و «بشود» نیز پذیرای قلمرو مطلوبیت هستند. از نظر آنها «باید» تنها فعل وجهی است که بیانگر رابطه منطقی تضمن معنایی است در حالی که در ارتباط با نوع قلمرو گزاره‌ای نامشخص است. بنا به باور رحیمیان و منصور (۱۳۹۶)، فعل «خواه» در کنار کاربرد «آینده»، در بیان برخی از رخداد‌های وجهی ایفای نقش می‌کند. گاهی برخی از نقش‌های وجهی فعل مزبور از طریق دیگر ساخت‌های التزامی نیز قابل بیان است که در حد ضرورت، در این تحقیق بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) با مروری بر برخی از پژوهش‌ها از جمله پالم (۱۹۹۸) و ناروگ (۲۰۰۵) بر آنند تا به طبقه‌بندی مفهوم وجهیت در سه دسته کلی بپردازند: از نظر آنها، «وجهیت یا اطلاعاتی است معنایی در باب نگرش‌گوینده به کلام، یا چیزی است ورای گزاره‌های درون‌گفته و یا وسیله‌ای است برای تمایز صدق از کذب». به هر حال همان‌طور که آنها اذعان می‌کنند هیچکدام از این سه به تنهایی ظرفیت توجیه وجهیت را ندارند.

حسینی (۱۳۸۶: ۳۹) آنچنان که خود می‌گوید، هدفش «مطالعه و مقایسه ابزار زبانی بیان وجه التزامی و بررسی ساختارهای نحوی است که در بیان این مفهوم، در زبان‌های روسی و فارسی کاربری دارند و نیز یافتن وجوه تفاوت و تشابه زبانی آن است». تعاریف صوری آنها از وجوه فعلی فارسی با ارجاع به بعضی از دستورنویسان مشهور فارسی و روسی نسبتاً مناسب است، اما بهتر بود برای تمایز میان جنبه صوری و جنبه معنایی «وجه» در محتوای تحقیق از دو اصطلاح متفاوت استفاده می‌شد تا در مواردی چون آخرین مثال صفحه ۴۳، تمایز میان جنبه صوری فعل «می‌رفتی» به‌عنوان «اخباری» و جنبه معنایی‌اش به‌عنوان «التزامی» مشخص باشد. آنها همچنین اگر موارد فراوانی از کاربردهای صورت‌های التزامی را که در این

تحقیق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند، در مقایسه میان فارسی و روسی مدنظر قرار می‌داد، به یقین وجوه اشتراک و افتراق بسیاری بیشتری میان این دو زبان را آشکار می‌ساخت. همان‌گونه که در بالا مشاهده شد، علی‌رغم نگرش عمیق به ابعاد گوناگون مفهوم التزام در زبان فارسی، در هیچ‌یک از آثار فوق به کاربردهای التزامی و معانی گوناگون آن پرداخته نشده است. از این رو، در بخش سه کاربردهای متنوع صورت التزامی به تصویر کشیده می‌شود و در بخش چهار معانی مختلف آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳- ارتباط وجه با زمان و نمود

این بخش از تحقیق، به شرح مختصری از سه مفهوم «زمان، نمود و وجه» در مقیاسی جهانی و ارتباط میان آنها اختصاص دارد. نگاه زبان‌های مختلف به زمان ضرورتاً با یکدیگر منطبق نیست. بدین معنا که در یک زبان، مفهوم «زمان» ممکن در برگیرنده‌ی تنها دو مفهوم «پیش از زمان کلام» و «پس از زمان کلام» یا به بیانی «گذشته» و «غیرگذشته» باشد، و در زبانی دیگر، این مفهوم شامل سه مفهوم گذشته، حال و آینده باشد، و گزینه‌های احتمالی دیگر. سخنگویان هر زبان بنا به مقتضیات، صورت‌های مشخصی را برای هر کدام از مفاهیم مزبور انتخاب می‌کنند. بر همین اساس، هر صورتی از فعل، در بافت مناسب بیانگر یک زمان تقویمی مشخص است. با این تعریف از زمان، تضمینی وجود ندارد که ظرف‌های زمانی در یک زبان دقیقاً با ظرف‌های زمانی در زبانی دیگر منطبق باشند. این پدیده آنگاه پیچیده‌تر خواهد شد که با مفهوم دیگری بنام «نمود» ترکیب شود. «نمود» از لحاظ معنایی ناظر به «شیوه نگرش گوینده به نحوه رخداد» است. گاهی سخن از رخدادی است که به‌طور مقطعی و بدون امتداد در بستر زمان واقع شده است که در این صورت، رخداد دارای نمود تام/مطلق/ساده است.

وجه از نظر معنا و منظور به قطعیت یا عدم قطعیت رخداد مربوط است. زبان‌شناسان برای اشاره به جنبه معنایی وجه، از اصطلاح «وجهیت» استفاده می‌کنند. منظور از رخداد‌های غیرقطعی، رویدادهایی است که تحقق آنها وابسته به شرط یا شروطنی از قبیل ضرورت، احتمال، امکان و امثال آن است. هادلستون و پولوم (۲۰۰۲: ۷۴) بر این باورند که وجه التزامی، در زبان‌هایی که حاوی التزامی به‌عنوان یک صورت تصریفی هستند، اصولاً در بندهای پیرو بیانگر رخداد‌های غیرواقع هستند. جنبه صوری وجه، تنها به شکل ظاهری فعل مربوط است که مصادیق عینی آن در همین مقاله نشان داده خواهد شد. معناهای گوناگون وجهی، در زبان‌ها به طرق مختلف امکان‌پذیر است. بیان وجهیت دست‌کم به شش طریق امکان‌پذیر است: نخست، افعال وجهی؛ دوم، افعال شبه وجهی (یا به‌قول کریمی دوستان و ایلخانی‌پور «اسم وجهی و صفت وجهی»); سوم، قیود وجهی؛ چهارم، برخی از فعل‌های اصلی؛ پنجم، صورت‌های شرطی؛ ششم، زمان فعل وجهی.

در برخی از منابع دستوری فارسی نه تنها تمایز روشنی میان جنبه‌های صوری و معنایی وجه ایجاد نشده بلکه بسیاری اوقات این دو جنبه با هم ترکیب شده و حاصل آن تحلیلی‌هایی است که با واقعیت زبان فارسی

انطباق ندارد [رک خانلری (۱۳۷۲)، رحیمیان (۱۳۷۸)، مشکوه‌الدینی (۱۳۷۹)، مظاهری، هاشمی و متولی (۱۳۸۳) و اکبری و ولی‌پور (۱۳۹۵)].

۴- کاربردهای صورت التزامی

در این بخش برآنیم تا کاربردهای معمول صورت‌های التزامی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. فعل فارسی از لحاظ «وجه» به دو دسته اخباری و غیراخباری تقسیم می‌شود. صورت‌های اخباری سه نوع هستند (مضارع استمراری، ماضی استمراری و ماضی ساده) که در این مقال مورد بحث نیستند. صورت‌های غیر اخباری نیز به سه دسته «امری، التزامی و دعائی» تقسیم می‌شوند، که از این میان و در اینجا تنها صورت «التزامی» مورد بررسی و تحلیل است. صورت‌های التزامی و امری در پنج مورد مشابه یکدیگرند و تنها موردی که میان آنها تمایز وجود دارد، صورت دوم شخص مفرد است:

۱- کاش به دیدار برادرت بروی [التزامی] / به دیدار برادرت برو [امری]

از معمول‌ترین کاربردهای فعل التزامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. فعل التزامی در دو نوع از جمله‌های شرطی به کار می‌رود. نخست، در یکی از شرطی‌های «ممکن» کاربرد دارد. در مثال زیر صورت التزامی «بخوانی» نشان می‌دهد که عمل خواندن تحقق نیافته است و این فعل تنها بیانگر رخدادی فرضی است که تحققش زمینه را برای تحقق جزای شرط فراهم خواهد کرد:

۲- اگر بخوانی یاد می‌گیری

کاربرد دوم فعل التزامی در جمله‌های شرطی، به‌عنوان فعل کمکی است. در جمله زیر «باشد» به‌عنوان فعل کمکی در ساخت ماضی التزامی به کار گرفته شده است:

۳- اگر مهدی به شهر رفته باشد، به کتابخانه نیز مراجعه کرده است.

۲. صورت التزامی را می‌توان در برخی از بندهای متممی مشاهده کرد. در جمله زیر، صورت التزامی «بدهم» حاکی از عملی است که همه، گوینده را به انجامش توصیه کرده‌اند، اما هیچ شاهدی دال بر وقوع رخداد (ادامه تحصیل) مشاهده نمی‌شود. در حقیقت، میزان احتمال ادامه یا عدم ادامه تحصیل در جمله زیر به یک اندازه است زیرا شواهد کافی برای تمایز میان این دو وجود ندارد:

۴- همه به من توصیه کردند که تحصیل را ادامه بدهم

۳. یک از کاربردهای صورت التزامی در ساخت‌هائی است که با قید کاش/کاشکی همراه است. در جمله زیر، گوینده با استفاده از «کاش» در ترکیب با صورت التزامی «بدهی» توصیه‌ای به مخاطب دارد که امکان تحقق آن در زمان نامعینی پس از ادای کلام وجود دارد:

۵- کاش چند روزی را به تفریح اختصاص بدهی

در صورتی که فعل التزامی «بدهی» به گذشته استمراری تبدیل شود و با یک قید گذشته به کار رود، تعبیر آن دیگر توصیه نخواهد بود بلکه تنها بیانگر ترجیح گوینده است که محقق نشده است (مثال ۶)؛ و اگر با یک قید آینده استفاده گردد، دلالت بر یک توصیه دارد که احتمال وقوع آن ضعیف است (مثال ۷):

- ۶- کاش هفته گذشته چند روزی را به تفریح اختصاص می‌دادی [عدم تحقق رخداد]
- ۷- کاش هفته آینده چند روزی را به تفریح اختصاص می‌دادی [احتمال ضعیف برای تحقق رخداد]
۴. از دیگر کاربردهای صورت التزامی، در ترکیب قید «شاید» با فعل اصلی قابل مشاهده است. آنچه در (۸) مطرح است امکان یا احتمال به ورزشگاه رفتن گوینده است:
- ۸- شاید فردا به ورزشگاه بروم
- گاهی به جای استفاده از صورت التزامی، می‌توان از صورت گذشته ساده با معنایی مشابه استفاده کرد. مهم‌ترین تفاوت میان این دو تفاوت در میزان احتمال وقوع است، بدین معنا که (۸) نسبت به (۹) احتمال وقوع بیشتری را نشان می‌دهد زیرا زمان گذشته («رفتم»)، ماهیتاً پیوند محکمتری با امور واقع^۱ دارد.
- ۹- شاید فردا به ورزشگاه رفتم
۵. یکی از کاربردهای صورت‌های التزامی در جمله‌هایی است که ماهیت معنایی فعل بند پایه تعیین کننده تحقق، عدم تحقق یا ابهام در تحقق رخداد بیان شده توسط فعل التزامی است. در مثال (۱۰)، ترکیب فعلی «نزدیک بود» حاکی از آن است که تیم شکست نخورده است، در حالی که در جمله (۱۱) در خصوص مثال (۱۱)، باید گفت که صورت فعل (بخورد) التزامی است، اما معنای آن التزامی نیست، زیرا شکست خوردن قطعیت دارد. در عین حال، در نمونه (۱۲) معلوم نیست که تیم شکست خورده یا نخورده است:
- ۱۰- نزدیک بود که تیم شکست بخورد
- ۱۱- دفاع ضعیف باعث شد که تیم شکست بخورد
- ۱۲- همه انتظار داشتند که تیم شکست بخورد
۶. از دیگر کاربردهای فعل التزامی همراهی با سه فعل وجهی فارسی است که هر کدام ویژگی‌های مختص خود را دارد. در (۱۳) سخن از ضرورت، در (۱۴) بحث از امکان یا اجازه و در (۱۵) صحبت از امکان تحقق یک رخداد است که در حقیقت مشرف شدن به زیارت امام(ع) است:
- ۱۳- ما باید با هم به زیارت امام(ع) مشرف بشویم
- ۱۴- ما می‌توانیم با هم به زیارت امام(ع) مشرف بشویم
- ۱۵- ما می‌شود با هم به زیارت امام(ع) مشرف بشویم
- از میان افعال وجهی فوق، «باید» را می‌توان با ساخت ماضی التزامی به کار گرفت. نمونه زیر، ممکن است در بافتی به کار رود که یکی از دانشجویان به دفتر انجمن اسلامی مراجعه می‌کند و می‌بیند هیچ دانشجویی در آنجا نیست و چنین استنباط می‌کند که آنها به ملاقات رئیس جدید رفته‌اند:
- ۱۶- دانشجویان باید به ملاقات رئیس جدید انجمن اسلامی رفته باشند

1. irrealis

۷. یکی دیگر از کاربردهای صورت التزامی هنگامی است که گوینده در تردید است که کاری را انجام دهد یا انجام ندهد. جمله زیر ممکن است در بافتی به کار رود که گوینده در باب رفتن یا نرفتن به سینما در تردید و دو دلی است:

۱۷- *الان نمی‌دانم که به سینما بروم یا نروم*

۸. صورت‌های التزامی برای بیان مفاهیمی چون آرزو، طلب مغفرت، دعا، نفرین، هشدار و انکار مؤکد به کار می‌رود. شش مورد زیر به ترتیب مصادیق این شش کاربرد صورت التزامی است:

۱۸- *خدا زیارت حج نصیبم کند* [آروز]

۱۹- *خدا پدرت را رحمت کند* [طلب مغفرت]

۲۰- *در پناه خدا باشید* [دعا]

۲۱- *دشمنت بمیرد* [نفرین]

۲۲- *مواظب باشید، به زمین نخورید* [هشدار]

۲۳- *عصراً که دیگر به این شهر سفر کنم!* [انکار]

۹. از دیگر کاربردهای فعل التزامی خبر کردن مخاطب از کاری است که گوینده در شرف انجام آن است (آینده قریب‌الوقوع). مثال زیر ممکن است در بافتی به کار رود که یک دانش‌آموز خطاب به همکلاسی خود خبر می‌دهد که در شرف خروج از کلاس به منظور نوشیدن آب و بازگشت مجدد به کلاس است:

۲۴- *من بروم آب بخورم و برگردم*

گاهی نیز فرد از صورت التزامی با همین کاربرد در هنگام خطاب به خود استفاده می‌کند. برای مثال، در جمله زیر گوینده که احساس خستگی می‌کند خطاب به خودش پیشنهاد کمی استراحت دارد:

۲۵- *خسته شدم، بروم کمی استراحت کنم*

۱۰. از دیگر کاربردهای فعل التزامی مطرح کردن سؤال و کسب تکلیف از مخاطب است. مثال زیر، ممکن است در بافتی به کار رود که گوینده در پی کسب تکلیف که آیا اجازه دارد که فردا با مخاطب تلفنی صحبت کند:

۲۶- *فردا به شما تلفن بزنم؟*

۱۱. یکی دیگر از کاربردهای صورت التزامی در زبان فارسی، هنگامی است که گوینده مایل به دیدن و بررسی چیزی است. برای مثال، ساخت زیر، ممکن است در بافتی به کار رود که گوینده مایل است به شئی که مخاطب در دست دارد نگاهی بیندازد، لذا وی را با یک فعل التزامی مانند «بینم»، خطاب قرار می‌دهد و با استفاده از آن، تقاضای خود را مطرح می‌کند:

۲۷- *بینم، چه تندیس زیبایی است!*

۱۲. گاهی گوینده برای بیان موضع خودش در قبال گزاره بیان شده توسط جمله (۲۸ و ۲۹) یا یک وضعیت (۳۰)، ممکن است از یک فعل التزامی استفاده کند.

۲۸- صادقانه بگویم، خدمت قابل ذکری نکرده‌ام

۲۹- راستش را بخواهی، حقوقم آنقدرها هم کم نیست

۳۰- هر چه تو بگویی و بکنی

۱۳. گاهی فرد در برابر یک پدیده، وضعیت یا شرایط، چاره‌ای جز تسلیم ندارد. در این صورت استفاده از یک فعل التزامی برای نشان دادن «تسلیم» راه مناسبی است. دو مثال زیر، به اندازه کافی گویا هستند و توضیحی را نیاز ندارند:

۳۱- چه بخواهی چه نخواهی باید جریمه را بپردازی

۳۲- خواهی نخواهی باید روزی از این دنیا بروی

۱۴. گاهی فرد برای اشاره به کیفیت چیزی به شکل تقریبی از صورت التزامی استفاده می‌کند. جمله زیر، ممکن است در بافتی به کار رود که گوینده قصد دارد بگوید که هوا کمی رو به سردی گذشته است:

۳۳- بگی نگی هوا کمی سرد شده است

۱۵. گاهی از صورت التزامی استفاده می‌کنیم تا نوید، هشدار یا اخطاری راجع به وقوع پدیده‌ای که در آینده واقع خواهد شد، بدهیم. نمونه زیر، ممکن است در بافتی به کار رود که گوینده هشدار جدی به مخاطب می‌دهد و می‌خواهد وی را از خواب غفلت بیدار کند:

۳۴- ناگهان چشم باز کنی و ببینی که همه چیز از دست رفته است

نتیجه‌گیری

با توجه به کاربردهای پانزده‌گانه که برای صورت التزامی برشمرده شد، دو نکته قابل ذکر است. نخست آنکه، گاهی صورت التزامی صرفاً نمایانگر یک الزام نحوی است. به دیگر سخن، الزامات نحوی ایجاب می‌کند که فعل به صورت التزامی به کار رود، در حالی که رخداد قطعاً به وقوع پیوسته است و به هیچ روی نمی‌توان از این گونه موارد سراغی از معنای طرح‌واره‌ای^۱ ساختاری عدم قطعیت گرفت. شاهد آن، مثال (۱۱) است: «دفاع ضعیف باعث شد که تیم شکست بخورد». در این مثال، شکست خوردن تیم قطعی است و عدم قطعیتی در کار نیست. در اینجا، حضور صورت التزامی تابع ضرورت نحوی زبان فارسی است. بنابراین، همان‌گونه که پیش از این گفته شد، ضروری است که بین صورت التزامی و معنای التزامی تمایز قائل شد.

دوم آنکه، وقتی که خوب به کاربردهای پانزده‌گانه صورت التزامی می‌نگریم، متوجه می‌شویم که اینها به دو دسته کاربردهای سرنمونی^۲ و غیرسرنمونی^۳ قابل تقسیم هستند. در حقیقت، صورت التزامی بیانگر دو نوع معنای کلی است: یک معنای سرنمونی که دال بر عدم قطعیت وقوع رخداد در فعلی است که به شکل التزامی ظاهر می‌شود. به بیان دیگر، صورت التزامی فعل دلالت بر عدم قطعیت وقوع آن دارد. شاهد سرنمونی بودن

1. schematic/ structural
2. prototypical
3. non-prototypical

این معنا، بسامد نوع^۱ آن است؛ بدین معنا که از میان کاربردهای پانزده‌گانه، ده کاربرد (۱ الی ۸، ۱۰ و ۱۵) ناظر بر معنای سرنمونی است و آن پنج کاربرد دیگر متعلق به معنای غیرسرنمونی است. علاوه بر این معنای سرنمونی، چند معنای غیرسرنمونی نیز وجود دارد. یکی از مصادیق معنای غیرسرنمونی زمانی است که صورت التزامی فعل هنوز نشانگر عدم قطعیت رخداد است، ولی از میزان عدم قطعیت به شدت کاسته شده است و بر آینده قریب الوقوع دلالت دارد (کاربرد ۹ مثال‌های ۲۴: «من بروم آب بخورم و برگردم» و ۲۵: «خسته شدم، بروم کمی استراحت کنم»، کاربرد ۱۲ مثال‌های ۲۸: «صادقانه بگویم، خدمت قابل‌ذکری نکرده‌ام»، ۲۹: «راستش را بخواهی، حقوقم آنقدرها هم کم نیست» و ۳۰: هر چه تو بگویی و بکنی»). کاربرد ۹ دال بر آینده قریب‌الوقوع است و اصولاً همین کاهش شدید معنای عدم قطعیت است که سبب شکل‌گیری مفهوم آینده قریب‌الوقوع شده است. این معنای غیرسرنمونی بسیار به معنای سرنمونی نزدیک است، زیرا هنوز شاهد عدم قطعیت رخداد فعلی هستیم که دارای صورت التزامی است.

کاربرد ۱۳ نیز مصداق دیگری از معنای غیرسرنمونی است که طی مثال ۳۲، «خواهی نخواهی باید روزی از این دنیا بروی»، بدان پرداخته شد. در این مثال، عدم قطعیت مربوط به وقوع خود رخداد نیست (یعنی رفتن از این دنیا) بلکه مربوط به زمان رخداد است که نامشخص است. این معنای غیرسرنمونی فاصله بیشتری با معنای سرنمونی دارد زیرا عدم قطعیت مربوط به خود رخداد نیست بلکه مختص چیز دیگری است که در ارتباط با رخداد است.

در کاربرد ۱۱، «ببینم، چه تندیس زیبایی است»، عدم قطعیتی که به صورت سرنمونی در صورت التزامی وجود دارد سبب شده است که یک معنای امری تلطیف شده شکل گیرد. در واقع عدم قطعیتی که در «ببینم» مطرح است، مربوط به خود «دیدن» نیست بلکه متعلق به خواست مخاطب است مبنی بر اینکه آیا او با دیدن موافق است یا خیر. بر این پایه، این معنای غیرسرنمونی نسبت به معنای سرنمونی در کاربرد ۱۳، فاصله بیشتری با معنای سرنمونی عدم قطعیت دارد، زیرا نه تنها عدم قطعیت مختص خود رخداد نیست بلکه مختص عنصری مربوط به رخداد هم نیست.

تا آنجا که کاربرد ۱۴ («بگی نگی هوا کمی سرد شده است») مطرح است، باز هم عدم قطعیت به وقوع رخداد مربوط نیست. در این مورد، عدم قطعیتی در هم‌نظر بودن مخاطب با گوینده وجود دارد و مشخص نیست که او هم با گوینده هم‌نظر است یا خیر. از این رو، معنای طرح‌واره‌ای عدم قطعیت که به صورت سرنمونی در صورت التزامی دیده می‌شود، به چیزی کاملاً خارج از خود رخداد تسری یافته است. این معنای غیرسرنمونی، به نوبه خود نسبت به معنای موجود در ۱۱، باز هم فاصله بیشتری با معنای سرنمونی دارد، زیرا در کاربرد ۱۱، عدم قطعیت در ارتباط با موافقت مخاطب با رخداد مورد نظر (دیدن) است ولی در کاربرد حاضر عدم قطعیت صرفاً به هم‌نظری مخاطب برمی‌گردد و ابداً ارتباطی با رخداد «گفتن» ندارد.

1. type frequency

در نهایت باید به دو نکته اشاره کرد. نخست آنکه، وجه مشترک تمامی کاربردهای پانزده‌گانه، معنای طرح‌واره‌ای عدم قطعیت است که در صورت التزامی وجود دارد. دوم آنکه، معنای صورت التزامی به صورت یک شبکه عمل می‌کند که در آن، یک معنای سرنمونی وجود دارد که در مرکز قرار دارد و مابقی معانی، غیرسرنمونی هستند و به نوعی از این معنای سرنمونی مشتق شده‌اند. به دیگر سخن، صورت التزامی، چندمعنا است و به‌عنوان یک مقوله شعاعی^۱ عمل می‌کنند. البته این که معانی غیرسرنمونی چگونه از بطن معنای سرنمونی بیرون آمده است خود مقال جداگانه‌ای می‌طلبد.^۲

منابع

- اکبری، منوچهر و ولی‌پور، مونا (۱۳۹۵)، «نقد و تحلیل انواع وجه فعلی در فارسی»، ادب فارسی، سال ششم، شماره ۲، ۱-۱۵.
- حسینی، امیر (۱۳۸۶)، «چگونگی بیان مفهوم «التزام» در زبان‌های روسی و فارسی»، پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۳۹، ۳۹-۵۳.
- رحیمیان، جلال (۱۳۷۸)، «وجه فعل در فارسی امروز»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۱۴، شماره ۲.
- رحیمیان، جلال و عموزاده، محمد (۱۳۹۲)، «افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت»، پژوهش‌های زبانی، دوره ۴، شماره ۲، ۲۱-۴۰.
- عموزاده، محمد؛ رضائی حدائق (۱۳۹۱)، «بررسی مفاهیم وجهی زمان دستوری در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبانی، دوره ۳ شماره ۱ (پیاپی ۴)، ۵۳-۷۶.
- کریمی دوستان، غلامحسین و ایلخانی پور، نگین (۱۳۹۱)، «نظام وجهیت در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبانی، دوره ۳ شماره ۱، ۷۷-۹۸.
- مظاهری، جمشید؛ هاشمی، سید مرتضی و متولی، سید مهدی (۱۳۸۳)، «بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستور زبان فارسی»، مجله مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۳۸، ۱۰۸-۹۵.
- Amouzadeh, Mohammad, Mohammad Tavangar and Shahnasari (2012), Subjective modality in Persian and English parallel texts, in *Subjectivity in Language and Discourse*. Nicole Baumgarten, Inke Du Bois and Julian House (eds. 245-266). East Sussex: Emerald Group Publishing.
- Evans, Vyvyan and Melanie Green (2006), *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

1. radial category

۲. برای آشنایی مقدماتی با مبحث چندمعنایی و مقولات شعاعی در معناشناسی شناختی، به Evans and Green, 2006 فصل دهم مراجعه شود.

- Huddleston, R D and G K Pullum (2002), *The Cambridge grammar of the English language*. Cambridge. Cambridge University Press.
- Narrog, H. (2005), "on defining modality again", *Language Sciences*, 27, 165-192.
- Palmer, Frank (1998), *Mood and Modality: Basic principles*. In: Brown, K and J. Miller (Eds.) Oxford: Elsevier, 229-235. *Concise Encyclopedia of Grammatical Categories*.
- Portner (2009), *Modality*. Oxford. Oxford University Press.
- Rahimian, Jalal and Zohreh Vahedi (2010), "The Semantic-pragmatic analysis of Persioan Modal verbs based on Papfragou's Model". *Ladz Papers in Pragmatics* 6.1: 67-116.
- Tavangar, Mohammad and Mohammad Amouzadeh (2009), "Subjective modality and tense in Persian". *Language and Science*. 31. 853-873.
- Tavangar, Mohammad and Mohammad Amouzadeh (2009), "Subjective modality and tense in Persian". *Language and Science*. 31. 853-873.